

زن و شعر زنان در زندگی ماشینی امروز

استحاله انتزاعات در واقعیات



چهره زن در شعر معاصر چه تفاوتی با قبل از انقلاب پیدا کرده است؟ فریبا یوسفی، شاعر و پژوهشگر ادبی، در پاسخ به این پرسش به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) می‌گوید: «یک رویداد طبیعی در شعر رخ داده است و آن واقع گرایی است. شعر از حالت انتزاعی به وضعیت واقع گرایی رفته و نتیجه این واقع گرایی این شده است که چهره زن در شعر از حالت افسانه‌ای و توصیف‌های انتزاعی خارج شود و رو به سوی واقعیت‌ها و توصیف‌هایی که از زن در شعر جزءنگرانه داشته باشد. امروز توصیف‌هایی که از زن در شعر می‌شود، با توصیف‌هایی که در قدیم می‌شده است کاملاً تفاوت دارد و وضعیت افسانه‌ای و رؤیایی‌ای که از زن در شعرها وجود داشت، به واقع گرایی تغییر یافته است و نقش اجتماعی زن بسیار در شعر هامطرح می‌شود. اگر در شعرهای اخیر دقت کنیم، می‌بینیم مانند سابق زن دیگر موجودی محبوس و پوشیده در یک گوشه و پشت پرده که نقش‌های آشکار ندارد، نیست. این وضعیت در شعر تغییر کرده و اکنون زن در شعرها و در متن جامعه حاضر، تصمیم‌گیرنده و مؤثر است. در شعرهای کنونی نقش زن هم مستقیم در جامعه نشان داده می‌شود، هم غیر مستقیم با تربیت فرزندی که در آینده می‌توانند تصمیم‌گیران یک کشور باشند. این نقش‌ها از قدیم وجود داشته اما توصیف و بازتابش در شعر کم‌رنگ بوده است. در این دوره تصویر زن در شعر واقع گرایانه شده و نقش‌های زن هم به‌طور مؤثر و پررنگ تبیین شده است. در واقع نگاه به زن از وضعیت ذهنی به وضعیت عینی و واقعی تغییر پیدا کرده است.»

اما چه چشم‌اندازی می‌توان برای شعر زنان متصور شد؟ یوسفی معتقد است: «با توجه به سابقه شعر زنان در دهه‌های اخیر متوجه می‌شویم که تعداد شاعران زن افزایش یافته است. علاوه بر این، اخیراً یک نسل جوان از شاعران زن روی کار آمده و در حال انتشار و ارائه آثارش است. این نسل به شدت باهوش و خوش فکر است و دارد به‌خوبی رشد می‌کند. آینده روشنی در انتظار شعر زنان است. در دوره‌ای تعداد شاعران زن کم بود و بعد از طاهره صفارزاده که یکی از شاعران بزرگ است، خلأیی حس شد. شاید یک دهه خلأ شاعر و شعر زنان حس می‌شد. اخیراً شاعران زن هم پرتعداد شدند. هم موفق ظاهر می‌شوند. نتیجه این می‌شود که در آینده نزدیک با تعداد زیادی شاعر زن موفق روبرو خواهیم شد.»

شاعر برنده نوبل ادبیات درگذشت



درست در همین روزهایی که هنوز از یون فوسه، نمایشنامه‌نویس نروژی و برنده نوبل ۲۰۲۲، سخن به میان می‌آید، نام یکی دیگر از برندگان این جایزه نیز به‌گوش می‌رسد: لوتیز گلیک، شاعر آمریکایی برنده نوبل ادبیات که به‌تازگی خبر درگذشتش منتشر شده است. خبرگزاری ایسنا به نقل از گاردین، نوشته است ملک الشعراء سابق ایالات متحده آمریکا در هشتادسالگی از دنیا رفت. این شاعر در سال ۲۰۲۰ برای «صدای شاعرانه متمایزی که با زیبایی ساده تجربه‌های شخصی را جهانی کرده است» به‌عنوان برنده نوبل ادبیات معرفی شد. به این ترتیب او نخستین زن آمریکایی بود که پس از گذشت ۲۷ سال برنده نوبل ادبیات می‌شد.

یکی از برجسته‌ترین مجموعه‌های شعر این شاعر «زنبق وحشی» است که در سال ۱۹۹۲ منتشر شده و او در آن بازگشت شگفت‌آور زندگی بعد از زمستان را به زیبایی در شعر «دانه‌های برف» توصیف کرده است. گلیک در سال ۱۹۹۲ برای مجموعه شعر «زنبق وحشی»، که با مضامین رنج، مرگ و تولد دوباره به‌نگارش درآمده است، موفق شده بود جایزه پولیتزر، را نیز دریافت کند.

زین‌تقدیر

علیرضا حیدری

- ناوبراسته**✕

لنج‌ها با تخته‌های چوبی از انتهای کشتی به هم اتصال می‌یافتند.

- وبراسته**✔

لنج‌ها با تخته‌های چوبی از انتهای کشتی به هم متصل می‌شدند.

- نکته**🔍

اصل بر این است که فعل‌های ساده را به فعل‌های مرکب ترجیح بدهیم؛ اگر خواستیم فعل مرکب به کار ببریم، بهتر است فعل مرکب پر بسامد تر و در ست تر استفاده کنیم.

#زین-تقدیر فارسی

شهریار

اشتبهِ ۲۳ مهر ۱۴۰۲ ۱۹ دی‌ماه ۱۳۸۰ شماره ۱۰۵۷



فرهنگ و ادبیات

محبوبه عظیم زاده

گفت‌وگو

زبان‌های زنده دنیا متن‌ویرایش می‌کنیم.از پس مقالات ISIنیز برمی‌آییم و مخلص کلام اینکه همه فن حریف هستیم و متون عمومی و تخصصی خود را به ما بسپارید و خیال‌تان راحت باشد که نتیجه کار، یک متن تروتمیز و بدون هرگونه غلط و درجه یک از آب در می‌آید. کمی که

- وقتی ویراستار ردیف غزل حافظ را حذف می‌کند

این استاد دانشگاه در روزهای گذشته سلسله پست‌هایی را در اینستاگرام خود با رگداری کرد و در آن‌ها از گاف‌های ویراستاری فوری نوشت، گاف‌هایی که در وهله اول باورناپذیر به نظر می‌رسند، اما باید بگوییم که به وقوع پیوسته‌اند. از جدانویسی کلمه‌های آیات قرآن گرفته تا حذف ردیف از اشعار معروف شاعران آشنایی چون حافظ.
امینی به نمونه‌های زیر اشاره کرده و البته این را هم می‌گوید که از این مصادیق همچنان وجود دارد. «ویرایش و جدانویسی آیات قرآن به نحوی که فیها، فی‌ها نوشته شده و یکم، به‌کم و میزان، می‌زان، «یک نفر دیوان حافظ را با تبدیل رسم الخط به خیال خود عربی‌زدایی کرده و منتشر کرده است. این طوری؛ قرئلیات خاجه هافر شیرازی»، تمام غزل‌ها را با این شیوه نوشته است. یک نفر دیگر گلستان سعدی را عربی‌زدایی کرده و پیراسته از کلمات عربی، با واژگان پارسی نوشته و حتی اشعار گلستان را ویرایش و بازسرایی کرده است، «در مقاله‌ای سطرهایی از شعر شاملو را نقل کرده بودم. هر لغت چندان که برمی‌آیدش از نام/دوشیزه‌ای ست شوخ و دلارام. ویراستار، شعر را تصحیح کرده بود: هر لغت چندان که از نامش برمی‌آید.....» و در مقاله‌ام غزلی از حافظ نقل کرده‌ام. ویراستار ارکان جملات غزل را مرتب کرده است مثلاً: این تظاول که کشید از غم هجران بلبل/ این تظاول که بلبل از غم هجران کشید. همچنین از تمام ابیات، جز بیت آخر، ردیف (خواهد شد) را حذف کرده، چون تکرار است و مغایر اصول ویرایش!»

- اسامهه، نابله و مدعی**

اسماعیل امینی می‌گوید ویراستاری فوری یا ویراستاری با شتاب را باید از اساس باطل دانست و در ادامه این گونه برایمان توضیح می‌دهد: «ویراستاری چند شرط دارد که مهم‌ترین آن‌ها آشنایی با زبان فارسی و اقتضائات آن است. همچنین مهارت بالایی در حوزه آگاهی از علائم نگارشی و توانایی خلاصه کردن جملات و حذف خطاهای تایپی و... می‌تولد. افرادی که با یک دوره کوتاه پانزده روزه یا دوماهه ویراستار می‌شوند، تخصص ندارند، مطالعه زیادی ندارند، خیلی با متون مختلف مواجه نداشته‌اند، گنجینه واژگانی محدودی دارند یا به اصطلاح زبان‌شناسی اش فقر واژگان دارند و در نتیجه در ویرایش یک نوشته به مشکل می‌خورند. هم از لحاظ واژگانی دست‌آن‌ها خالی است و هم از لحاظ آگاهی از قابلیت‌های نحوی زبان فارسی و از آنجایی که با این قابلیت‌های مختلف آشنا نیستند و فقط چهارپنج نمونه از ساختارهای مشهور جملات را می‌شناسند، هر چه غیر از این باشد، به نظرشان غلط یا بیگانه می‌آید و حذفش می‌کنند. ویراستاران تازه‌کاری که اتفاقاً خیلی هم پرمدعا هستند،»

- ویرایش سبک شخصی نویسنده، تراز متن و نقل قول‌ها، ممنوع**

این نویسنده و شاعر درباره اصل وظیفه و مسئولیت ویراستار که ویراستاران فوری به آن توجهی نشان نمی‌دهند، می‌گوید: «اولین شرط این است که ویراستار بداند حق ندارد سبک شخصی نویسنده را تغییر دهد. به عنوان مثال، اگر نویسنده با جملات کوتاه می‌نویسد یا با تکرار فعل یا جابه جایی ارکان، فقط در صورتی که خطای بارز باشد، می‌تواند آن را تصحیح کند. در غیر این صورت، حق ندارد در سبک شخصی نویسنده دخل و تصرف و متن را یک‌شکل و یک‌دست کند. نکته مهم دیگر این است که حق ندارد تراز نثر را عوض کند. یعنی اگر نویسنده‌ای متن خود را با نثر فاخر نوشته و دیگری ساده و نزدیک به زبان



دقیق تر جست‌وجو کنید و دنبال جزئیات بیشتری بگردید، متوجه می‌شوید که بخش در خور توجهی از این متون، مقالات دانشگاهی هستند و پایان‌نامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و حتی رساله‌های دکتری. پایان‌نامه‌هایی که اسماعیل امینی، نویسنده، استاد دانشگاه و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی، می‌گوید در آن‌ها خطاهای ویرایشی بسیار زیادی به چشم می‌خورد. امینی که تجربه تدریس متون تخصصی زبان و ادبیات فارسی و ویراستاری را در دانشگاه دارد به ما می‌گوید: «در جایگاه استاد راهنما یا داور، خطاهای ویرایشی زیادی را در پایان‌نامه‌های دانشگاهی می‌بینم.» اتفاقی که به گفته او خودمان هم می‌توانیم صحت و سقم آن را بررسی کنیم؛ کافی است سرکی بکشید به سایت پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) که همه

- به همه سرمایه‌هایی که در اختیار داریم جفا می‌کنیم شکسته و خلاصه نوشته شدن جملات مخصوصاً در گفت‌وگوهایی که در شبکه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد، نگارش‌های پر از غلط املایی، آشنا نبودن با متون و اشعار کهن و خوانش‌های پر از اشتباه حتی از سوی افرادی که دارند در همین زمینه فعالیت می‌کنند، همگی از اتفاق‌هایی است که بارها و بارها از طریق شبکه‌های اجتماعی شاهدشان بوده‌ایم. اتفاق‌هایی که بسیاری از کارشناسان حوزه زبان و ادبیات فارسی معتقدند هرکدام از آن‌ها در حکم تهدیدی برای زبان مادری ما محسوب می‌شوند و در ادامه سهل کردن مسیر روبه‌زوال آن، و حالا ویراستاری فوری و ضربه‌هایی که دارد به بدنه زبان ما وارد می‌کند. آیا این اتفاق را هم باید به عنوان یک تهدید جدی و بزرگ برای میراث گران‌بهایمان بدانیم؟ این پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی بر این باور است که: «تهدید بزرگی نیست ولی جفای بزرگی چرا. مثل این است که کسی دارد در یک خانه بزرگ زندگی می‌کند و هر روز که ردمی‌شود یک مادر یا محسوب می‌شوند و در ادامه سهل کردن مسیر روبه‌زوال آن، و حالا ویراستاری فوری و ضربه‌هایی که دارد به بدنه زبان ما وارد می‌کند. آیا این اتفاق را هم باید به عنوان یک تهدید جدی و بزرگ برای میراث گران‌بهایمان بدانیم؟ این پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی بر این باور است که: «تهدید بزرگی نیست ولی جفای بزرگی چرا. مثل این است که کسی دارد در یک خانه بزرگ زندگی می‌کند و هر روز که ردمی‌شود یک



کمی تاقسمتی فارسی!

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

می‌نویسیم، در همه جا، نامه، روزنامه، مقاله، کتاب، پایان‌نامه، رساله و حتی این سال‌ها در فضای مجازی، همه و همه می‌نویسیم. به چه زبانی، فارسی؟... تاحدودی بله، تاحدودی! کافی است کمی وقت بگذاریم و انبوه نوشته‌هایمان را بررسی کنیم. هرکدام به شکلی با زبان فارسی بیگانه‌اند. آن یکی پر است از کلمه‌ها و عبارتهای قلمبه‌ای مانند: به استحضار می‌رساند، مستدعی است، ایفاد بفرمایید، اشعار می‌دارد، ظهر نامه و... این یکی مملو است از: مورد بررسی قرار گرفت، تجلیل به عمل آمد، لازم به ذکر است و بیان داشت و... آن یکی دیگر سرشار از می‌خام و راجب و بزراید و خاهش و لطفن ... و آن دیگری که می‌گوید و می‌نویسد: الان بریم انتراکت و توی تایم بعدی فوکوس کنیم رو باگ‌های این پروژه. به نظر شما این‌ها فارسی است یا تا حدودی فارسی؟ برای من که سال‌هاست کار ویراستاری می‌کنم و آموزش می‌دهم، ثابت شده است که متأسفانه خیلی کم سواد و پرسواد هم ندارد.

تهدید بزرگ، نه جفای بزرگ، بله

گفت‌وگو با اسماعیل امینی، استاد زبان و ادبیات فارسی درباره ویراستاری فوری و عواقب آن

پایان‌نامه‌ها در آن پایگانی می‌شود و اکنون در دسترس همگان است، به وضوح می‌بینید که پایان‌نامه‌ها با چه میزان غلط نگارشی و تایپی و علائم سجاوندی وجود دارد که تأیید و امضا شده است. استاد به آن‌ها نمره داده و حتی از زیر دست چند استاد رد و در نهایت بازگرداری شده است. تصور کنید فارسی‌زبانی از یک کشور دیگر بخواهد ببیند در دانشگاه‌های ایران چه می‌گذرد. اگر سری به این وب‌سایت بزنند و چند نمونه از این پایان‌نامه‌ها را بخواند، جز سرافکندگی نتیجه‌ای برای ما ندارد. چرا باید با زبانمان این گونه رفتار کنیم؟!»

اما آیا داستان ویراستاری فوری به همین جا ختم می‌شود؟ باید بگوییم که خیر. ادامه مطلب را بخوانید تا از چند نمونه عجیب و غریب آن باخبر شوید.

گوشه از دیوارش را خراب می‌کند. خانه از پای‌بست ویران نمی‌شود، اما از ریخت که می‌افتد، زشت که می‌شود.»

او این بی‌مهری و نامهربانی را البته فقط معطوف به زبان فارسی نمی‌داند و معتقد است این سبک رفتاری غلط‌ما با همه داشته‌هایمان است، از زبانی که صحبت می‌کنیم، تا منابع طبیعی‌ای که در اختیارمان است، «این جفا را ما در حق همه سرمایه‌هایمان انجام می‌دهیم. وجودکننده‌کاری‌ها و یادگاری‌هایی که روی آثار باستانی می‌نویسند یا زاله‌هایی که کنار جوی و داخل جنگل می‌ریزند همه از همین دست رفتارهای ناپجاست.»

- بگذارید درباره زبان فارسی هم متخصص نظر بدهند «اغب مردم گمان می‌کنند می‌توانند در اصول و چهارچوب زبان فارسی دخالت و دخل و تصرف داشته باشند. تنها به دلیل اینکه همه با آن سروکار دارند و رواقع با آن حرف می‌زنند، یعنی انگار نه‌انگار که یک رشته تخصصی است.» امینی این نکته را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «مثلاً درباره رسم الخط یا درباره اینکه کدام لغت را استفاده کنیم و کدام را نه، همه اظهارنظر می‌کنند، اظهارنظرهایی که اتفاقاً باطل است. مثلاً عده‌ای می‌گویند وقتی همه ما فارسی‌زبان هستیم، چرا باید از لغات عربی استفاده کنیم؟ بدون اینکه درباره آمیختگی زبان و ریشه لغات آگاهی و اطلاعاتی داشته باشیم. واژه‌سازی هم یکی دیگر از موضوعاتی است که همه درباره آن اظهارنظر می‌کنند. نگاه‌های سبک‌تر و مبتذل حتی این اتفاق را به سخره می‌گیرند و مثلاً می‌گویند، چرا به آسانسور می‌گویند بالابر، مگر پایین نمی‌آورد؟! در صورتی که این یک اصل ساده است که هیچ لغتی نمی‌تواند همه مفاهیم موردنظر خود را پوشش بدهد و معمولاً آشپز یا باتری ساز، این طبیعت همه کلمه هاست. سایت فرهنگستان که در دسترس است. بروند تحقیق کنند. بروند و ببیند که آنجا چه شخصیت‌های علمی برجسته‌ای کار می‌کنند و چه فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند. واژه‌گزینی یک کار خیلی کوچک در فرهنگستان محسوب می‌شود و ۹۵درصد کار چیز دیگری است. اما همه اظهارنظر می‌کنند و متأسفانه بی‌انصافی هم می‌کنند. حرف زردنازل و عوام‌پسندانه هم خیلی زود گسترش پیدا می‌کند. نباید فراموش کنیم که زبان فارسی سرمایه بزرگ فرهنگ ماست و یک رشته تخصصی است و فقط متخصصان باید درباره‌اش اظهارنظر کنند.»

- ذات زبان ملت‌های متمدن دادوستد با زبان‌های دیگر است**

اما چاره چیست؟ ما به نوبه خود چه کاری می‌توانیم انجام بدهیم؟ امینی راه حل را در آگاهی دادن می‌داند. او می‌گوید: «باید آگاهی بدهیم. به عنوان مثال، پیراسته‌کردن زبان فارسی از لغات بیگانه حرف کودکانه‌ای است، چه لغت بیگانه فرنگی و اروپایی و چه ترکی و عربی. یک جهان لغت در زبان فارسی نهفته است. در زبان‌های دیگر هم همچنین. ما باید این نکته را به مردم یاد بدهیم که زبان فارسی در هیچ دوره، پیراستگی این چنینی نداشته است. به این معنا که هیچ لغت خارجی در آن وجود نداشته باشد، حتی در ایران پیش از اسلام. یعنی تعداد زیادی لغت از زبان‌های دیگری چون سریانی، یونانی، ترکی و... در زبان فارسی رایج بوده است. درواقع طبیعت همه زبان‌های بزرگ که به ملت‌های تمدن تعلق دارد، دادوستدکردن با زبان‌های دیگر است. فقط در زبان‌های کوچک و قبیایی و محدود است که چنین دادوستدی وجود ندارد.»